



من که می فهمم!



● آقای قاضی، ایشان به دلیل برای من بیاره که ما باید باشیم بریم خارج؟!
● تو به دلیل بیار که چرا نباید بریم عشقم؟ اینجا صبح تا شب آویزونیم.
● خب اونجا هم همینه عزیزم. تازه اونجا همه درختاش کاکتوسن! به شاخه درست و حسابی پیدا نمی کنی ازش آویزون بشی! سیم کشی میم کشی هم که ندارن، همه ش پرو بیابونه! بریم کدوم قبرستون؟!
● تو مثل اینکه توی باغ نیستی ها! اونجا اصلا کسی نمی میره که قبرستون داشته باشن! همه چی هوش مصنوعیه. ماشینا پرندهن، آدمایا روباتن یا در حال بخوربخواب!
● باز نشستی پای ماهواره عسلم؟! این همه عمل زیبایی و کرم و پودر به خوردت دادن، بس نبود؟! حتی شک دارم تو همونی باشی که قبل عمل زیبایی بردمت بیمارستان. همیشه فکر می کنم شاید زیر عمل تموم کردی، به بیمار وارداتی (از این اشناتیونای روی نفت!) به جات دادن به من تا برای بیمارستان داستان نشه!
● نه قربونت برم، من همونم. نگاه، جوجو می شم برات!
● عه... زشته در محضر محترم دادگاه محترم!
● به همین خاطر می گم بریم اون ور دیگه! از این کاراتوی دادگاه های اونجا آزاده! به ادایی با اون کلاه گیساشون در بیارم که قاضی و هیئت منصفه بخندن و رأی به کافه اسقاط خیارات بدن!
● نه، من خارج بیانیستم. خلیم مگه اینجا رو ول کنیم. اینجا همه چی سر جاشه. چند وقت دیگه همدیگه رو هم

می خورن توی بیابونا! تازه توی بیابون به اون داغی، احتمال آتش سوزی هم هست. همون چارناکاکتوس هم آتیش می گیره، دیگه تیغ کاکتوس هم ندارن که لای دندوناشون رو بعد خوردن همدیگه تمیز کنن!
● اینجا هم کسی نمونده! همه مدت هاست که رفتن اون ور و دارن عشق و حال می کنن! کار خود شون بود! فقط ما موندیم!
● خب توی روزنگاه می کنی، ماخفاشا فقط شبا می تونیم کمی ببینیم! به دلیل منطقی نمی آری عشقم.
● یکی ش، فالوگرام! فالوگرام من داره ریزش می کنه. هرچی از بدیای اینجا گفتم، دایرکت می دن، می گن رفتیم اون ور دیدیم نه اینجا این قدر بده، نه اونجا اون قدر خوبه، می خوام خودم برم اون ور نشونشون بدم چقدر نایس و کیوته! من فالوگرام رو نمی تونم ول کنم!
● ولی من رو می تونی ولی کنی!
● من کی تو رو ول کردم؟! می گم به خاطر آینده فالوگرامون هم که شده، بیا بریم!
● فالوگرام که نمی فهمن تو دنبال چی هستی!
● من که می فهمم!

(پایان)



روز زن امسال اولین بار تقاضای خرید طلا هیچ تغییری نسبت به قبل نداشت!



عبدالناصر همتی: خب همین که هنوز تقاضای خرید طلا وجود داره، خودش نشون می ده که برای گرونی جا داره حالاحالاها.

رئیس اتحادیه جوراب فروشان: ولی خداروشکر صنعت جوراب امسال روز پدر فروش خوبی داشت، حتی داشتیم مشتری ای که دو جفت جوراب یکجا کارت بکشه.

هادی عامل: مگه شما هنوز پولتون می رسه طلا بگیرین برای زناتون؟

خداداد عزیز: نوشتی زن ها! اتون؟! داداش کفن شبکه افق روبرو بگیر که اگه خانومت این کامنتت رو ببینه، لازمت می شه.

نعیمه نظام دوست: ای آقا، طلا رو ول کنین. الان شوهر پیدا نمی شه. این رو اول به فکری براش بکنین. بعد به طلا هم می رسیم.

پزشکیان: خداروشکر بالاخره تونستیم در یک زمینه به ثبات برسیم.

فاطمه مهاجرانی: انصافا وضع بدیه. با این قیمت طلا، عمرا اجازه بدم بچه هام زن بگیرن.

بهرنگ علوی: دوستان، ولی واقعا پلایخین برای زن هاتون. تازه فهمیدم اون شیشه ماشین و عروسک کارکی بوده.

احمد دنیا مالی: می بینین بچه ها؟ مشکل طلا توی کشور سراسریه، اون وقت گیر دادن به ما که چرا طلا هاتون توی المپیک کم شده.

صفحه ۷
۴۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۱۲۶



حسن روشن، پیشکسوت استقلال:

رئیس جدید تا بخواهد نشانی ای افسی را در مالزی پیدا کند دورهاش تمام شده است. (خبر آنلاین)



پدر ژینتو:
تا پینو کیو یاد بگیرد دروغ نگوید که دماغش دراز نشود، دماغ دراز مد شده است.



وزیر ورزش و جوانان:
بانک ها تا بخواهدن وام ازدواج را بدهند، به نامه اعمال جوانان هم رسیدگی شده است.



پزشکیان:
تامی خواهیم برای بی برقی در زمستان فکری کنیم، تابستان می آید.



همتی:
تائیت می کنیم قیمت دلار را هزار تومان پایین بیاوریم، ۵ هزار تومن می رود بالا.



رئیس سازمان استاندارد:
تا خودروساز بخواهد کیفیت مدنظر را روی خودرو اعمال کند، آن خودرو از رده خارج شده است.

